

# آینده‌ی صندوق‌های قرض‌الحسنه

اشاره‌ای به طرح تشکیل بانک قرض‌الحسنه  
با تجمیع ۱۲۰۰ صندوق  
روزنامه اطلاعات شماره ۴۵۰۰۴  
مورخ ۸۸/۴/۸

## روشن‌یا مبهم؟!!

### بسمه تعالی

صندوق قرض‌الحسنه الزهراء (ع) در واکنش به تصمیم بانک مرکزی  
بنی بر طرح تشکیل بانک بزرگ قرض‌الحسنه با تجمیع ۱۲۰۰ صندوق زیر  
مجموعه‌ی سازمان اقتصاد اسلامی، بیانیه‌ای تقدیم چاپ و منتشر کرد که ذیلاً  
به طور کامل آن را می‌خوانید.

خوشبختانه عزیزانی که در صندوق‌های قرض‌الحسنه  
شاغل به خدمتند اغلب بلکه قریب به اتفاق از چهره‌های متدین،  
خدم و دلسوز جامعه‌اند که درد دین دارند و از سر احساس  
مسئولیت و تعهد، به امر مبارک قرض‌الحسنه روی آورده‌اند و  
معتقدند که گره‌گشایی از امور مؤمنان نیازمند، اولاً مایه‌ی جلب  
رحمت الهی و موجب افزایش نعمت و برکت در جامعه‌ی اسلامی  
می‌شود و ثانیاً جلوه‌ی روشن و تابناک از اجرای موفق احکام  
قرآنی در قالب قرض‌الحسنه به همگان و به‌ویژه، سست عقیده‌ها و  
آنانی که اصلاً با فرهنگ قرآنی انسی ندارند نشان داده می‌شود.

اصولاً با اجرای صحیح و شایسته‌ی قرض‌الحسنه، همگان در عمل  
به طور واضح و درخشان، مشاهده می‌کنند که اجرای تعالیم قرآنی چگونه  
اثربخشی و ثمرآفرین است و بر مبنای یک رابطه‌ی ایمانی، چگونه  
می‌توان پاسخگوی احترام‌آمیز نیازهای مادی و جسمان کننده‌ی  
خألهای روحی و عاطفی و برطرف کننده‌ی فاصله‌های طبقاتی بود  
و این، خود بهترین شیوه‌ی تبلیغ برای آیین نورانی اسلام است و  
این ادعا را هم به اثبات می‌رساند که اگر در این مکتب  
عزت‌بخش، آموزه‌های آن به شایستگی و دقت و صحت اجرا  
شود، جهان و جهانیان را به نور زندگی‌بخش خود احیاء خواهد  
کرد و حقانیت و توانایی این دین را عملاً به همه‌ی اهل عالم  
به‌ویژه متحیران دنیای غرب و شرق و به‌خصوص آنانی که همه  
چیز را در ربح و مرایعه می‌دانند و از فرهنگ اخلاق و ایثار و انفاق  
و اکرام خیری ندارند نشان می‌دهد؛ و راستی چه خدمتی از این بالاتر  
و چه جلوه‌ای از این تابناک‌تر.

اصولاً انسان‌ها آن چیزی را تأیید و یا تکذیب می‌کنند که  
مستقیماً اثر مثبت یا منفی آن را در زندگی خود احساس کنند و

قرض‌الحسنه قرآنی از چنین مزیتی برخوردار است که به طور  
شفاف در همه‌ی جوانب زندگی مؤثر و اثرگذار است.

فردی که از دارایی خود، قرض‌الحسنه می‌دهد در واقع  
احساس انسانیت، انسان دوستی، خداخواهی و برهیزی از  
خودخواهی، صفات عالی انسانی و عاقبت‌اندیشی در وجود او قوت  
یافته است، و آن کسی که دریافت کننده‌ی قرض‌الحسنه است  
احساس احترام، عزت و اتحاد با امت اسلامی، تجلی نور ایمان،  
اعتقاد به قرآن و آرامش روان و افزایش الفت و اخوت اسلامی در  
نهاد او تقویت می‌شود.

و اگر چشم بصیرت انسان گشوده باشد می‌بیند که این  
تأثیرات مثبت شگرفی که قرض‌الحسنه هم در دهنده و هم در  
گیرنده پدید می‌آورد، دنیایی از اخلاق و فضیلت و کمال و انسانیت  
است که به این راحتی و سرعت نمی‌توان در جای دیگری به دست  
آورد. بنابراین نباید این فرصت و امتیاز طلایی و استثنایی را کم‌شمار و یا با  
اغراض مادی کم‌ارزش و بی‌ارزش آن را آلوده کرد و اثرات معجزه‌آسای  
آن را از بین برد و آن را در حد یک نگاه تعاونی صرف نزل داد.

کسانی که به پدیده‌ی متعالی قرض‌الحسنه قرآنی به  
گونه‌ای اقتصادی می‌نگرند و آن را با کارمزد و جرمه‌ی دیگر کرده و جایزه  
و تجارت یا وام‌های جدولی و بی‌شرط و ارزش افزوده و امثال آن  
می‌آیند؛ به یقین از حقیقت کمال آفرین این امر سبحانی بی‌خبرند  
و بیش از اینکه در پی سود کلان اخروی و رشد روحی و معنوی  
برای خود و جامعه باشند، به حداقل ضعیف، از این عالم فانی بسنده  
کرده‌اند و به همین ناچیز بی‌مقدار، دلخوش شده و شادمانند که  
در صدی مزد کار می‌گیرند و معاش خود را می‌گذرانند و حال آنکه  
همین افراد می‌توانند در شغلی دیگر که این عنوان مقدس را بر فراز  
خود نداشته باشد با دغدغه‌ای کمتر و مرامی موخه‌تر، سود بیشتری  
کسب نمایند و این همه، بار مسئولیت شرعی، اخلاقی را به دوش  
نکشند و لقمه‌ی حلال و گوارایی را نصیب خود و خانواده‌شان سازند.  
به هر حال بحث اصلی ما در این مقال این نیست که  
بگوییم این کارها را بکنید یا نکنید، بحث ما حفظ اصالت صندوق‌های  
قرض‌الحسنه است.

ما معتقدیم یا نباید در امری از امور دینی وارد شویم و یا باید با علم و اطلاع و آگاهی کافی و در بستری از تقوا و برهیزکاری ورود پیدا کنیم و این هشداری است تکان دهنده از سوی قرآن کریم به عموم مؤمنین که می‌فرماید:

وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا (اسرا/۳۶)

پیام اساسی آیه این است: ای مسلمان، بر آنچه که علم و آگاهی نداری و به اصول و قواعد آن اشراف نداری یا فشاری نکن و راهی را دنبال مکن که از کم و کیف آن بی خبری که اگر چنین کنی، بدان که گوش و چشم و دل تو در قبال این تصمیمات نسنجیده و مطالعه نشده، در فردای این عالم مسئول است و باید پاسخگو باشی که چگونه با وجود اینکه گوشه‌ای داشتی برای شنیدن و چشمی برای دیدن و دلی برای فهمیدن، مع الوصف چشم و گوش و فهم خود را بر هم گذاشتی و بی اعتنا به حقایق که خدای حکیم علیم در قرآن کریم بیان نموده و حجج معصوم و مطهر علیهم‌السلام و تبیین نموده‌اند آن راهی را دنبال کردی که نه برهان عقلی آن را تأیید می‌کند و نه حجت شرعی آن را می‌پذیرد، آخر به چه دلیل کاری کردید که ناخواسته همان شیوه‌ی قوم موسی علیه‌السلام را برگزیدید (... نُوهِنْ بِمَعْصِيَةٍ و تَكْفُرٍ بِمَعْصِيَةٍ...) به بخشی از حقایق که مطابق میلان بود ایمان آوردید و آنچه را که جو جامعه پذیرا نبود و یا به نظر آنان، سیاست روزگار نمی‌پسندید کافر شدید و بلکه شیوه‌ای التقاطی را در پیش گرفتید. آخر کجای دینداری این مجوز را به ما می‌دهد که دین را آنچنان که خود می‌پسندید تبلیغ و ترویج کنیم! آیا ما نباید خط قرمزهای مکتب خود را بر اساس معرفت دینی و معیارهای قرآنی دقیقاً بشناسیم و بشناسانیم و ذره‌ای و لحظه‌ای هم از آن مرزهای اعتقادی، عدول و تجاوز نکنیم، آیا مگر ما معجزیم که هر چه را که دلمان خواست در احکام شریعت ناب معتدی تصرف کنیم و آن را به میل و ذائقه‌ی خود تغییر دهیم.

به آیه‌ای از قرآن کریم توجه کنیم که می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً... (بقره/۲۰۸)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید همگی بدون استثناء در مقابل احکام الهی تسلیم باشید و آنچه را که او حکم فرموده و رسول عالیقدرش و امامان معصوم علیهم‌السلام به شما ابلاغ کرده‌اند تبعیت کنید تا به آن سعادت جاودان نائل شوید. این طور نیست که شما از یک طرف با توجیهاات گوناگون، تابع تمایلات خود باشید و از طرف دیگر مجری احکام قرآنی، این دو که با هم جمع پذیر نیست.

اگر خاطر‌تان باشد در جزوه‌ای که با عنوان **بانک**

قرض الحسنه، ترکیبی متجانس یا متعارض" منتشر شد، به تفصیل اشاره کردیم که این دو واژه‌ی **بانک** و **قرض الحسنه** هم از نظر ظاهری و هم از نظر معنایی و هم در تئوری و هم در بُعد عمل با هم تعارض جدی دارند و این دو هیچگاه با هم در زیر یک سقف قرار نمی‌گیرند و در یک جا نمی‌کنجند و اگر هم به هر دلیلی این دو عنوان که دو راهبرد متفاوت دارند با هم مجتمع شوند یقیناً قرض الحسنه از هویت و حرمت تعریف شده‌ی خود تهی خواهد شد و امر مقدس و معنویت بخش قرض الحسنه بیشتر جنبه‌ی اقتصادی، درآمدزایی و کلاً خصوصیات امور بانکی را به خود می‌گیرد و آن اصالت و رسالت صندوق قرض الحسنه را که اخلاق پرور و هدایتگر است از دست می‌دهد و بسیاری آسیب‌های دیگر که اگر بخواهیم به آنها بپردازیم به همان حجم جزوه‌ی قبلی حجیم خواهد شد.

بنابراین جا دارد عزیزانی که قصد و نیت خیر دارند یکبار دیگر با حوصله‌ی کافی و دیدی منصفانه مطالب جزوه‌ی مزبور (بانک قرض الحسنه، ترکیبی متجانس یا متعارض؟) را بخوانند و اگر وضعی در منطق و اصالت کلام آن مشاهده می‌نمایند ابراز نمایند و مطمئن باشند که ما با روی باز و آغوش گشاده همچنان که قبلاً هم گفته‌ایم پذیرای آنانیم که بشنویم و در نهایت هر دو به آنچه که حق است و مورد رضای حجت حق ولی الله الاعظم امام زمان عجل الله تعالی فرجه‌الترتیب است عمل کنیم.

تأکید می‌کنیم و بلکه خواهشمندیم که مبادا در این شرایط زمانی سنگ بنایی را بگذاریم که ناخواسته خلاف رضا و روش حق باشد و ما بر غم نیت خیر خواهانه‌ی خود به جای تولید نور، ناری یافروزیم که نه تنها شعله‌اش دامن ما را می‌گیرد که به آیندگان ما هم صدمه‌ی جدی خواهد زد، چرا که ناآگاهانه و نسنجیده یک سنت الهی را دست‌نخورش انصراف و اعوجاج کرده‌ایم.

دوستان! بیاییم منطق قرآن و کلام رهبران معصوم علیهم‌السلام خود را در خصوص این امر مقدس یعنی قرض الحسنه بار دیگر دقیقاً بازخوانی کنیم و آنچه را که بزرگان معصوم ما بر اساس منطق وحی و عصمت بیان فرموده‌اند منصفانه و عاقلانه و تقوامدارانه مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم و به هر نتیجه‌ای که رسیدیم آن را میزانی برای تصمیم‌گیری‌های خود منظور نماییم و مطمئن باشیم آنچه را که حق، تأیید نماید بالنده و پاینده و تابنده است و آنچه را که ما بدعت بگذاریم چون اصالتی ندارد ماندگار نخواهد بود ضمن آنکه وبال آن دامنگیر ما و عصر و نسل ما خواهد شد.

بار دیگر تأکید می‌کنیم هر رسالتی بنا بر اصالتش شکل می‌گیرد. رسالت بانک بار رسالت صندوق‌های قرض الحسنه کاملاً متفاوت و متغایر است.

بانک به حکم وظیفه‌ی ذاتی خود که یک دستگاه اقتصادی، خدماتی سودآور است وظیفه دارد چرخه‌های اقتصاد کشور را با قدرت به گردش درآورد و فرآیند عملکرد موفقش به توسعه پایدار کشور بینجامد.

اما صندوق قرض الحسنه که اینگونه نیست، صندوق قرض الحسنه ریشه‌اش در احسان است و آثارش اخلاص و جلب رضای پروردگار و منشاء احسان هم، ایمان و عبودیت خداوند متعال است؛ بنابراین در یک استنتاج منطقی، تأسیس صندوق قرض الحسنه از آثار ایمان به خداوند و بندگی خالصانه‌ی حق تعالی است و هیچ شائبه‌ی دنیایی در تأسیس و فعالیت آن وجود ندارد و در این راستا صندوق قرض الحسنه، وظیفه‌ی اساسی‌اش، گره‌گشایی از نیازهای شرعی بندگان خداست بر مبنای اینار و اخلاقی و فضیلت و انصابت.

به بیان دیگر تفاوت بارز این دو دستگاه خدماتی در این است که بانک ریشه در اقتصاد داشته و امور مادی زندگی مردم را شکل می‌دهد، ولی صندوق قرض الحسنه ریشه در اعتقاد و اخلاق داشته و مأموریت آن خدمت‌رسانی به قشر نیازمند جامعه است و این دو همچنان که می‌دانیم و می‌بینیم از نظر عملکرد هیچ تناسب ماهوی با هم ندارند که بتوانند در کنار هم جمع شوند و هدف واحدی را دنبال نمایند. ضمن اینکه هیچ ضدیتی هم با هم ندارند، چرا که بانک مؤسسه‌ای انتفاعی و تجاری است، ولی قرض الحسنه مؤسسه‌ای غیرانتفاعی و غیر تجاری.

البته ما اصرار نداریم با خواندن این مطالب، همه چیز یکباره تغییر کند و مرام‌ها و کلام‌ها دفعاً دگرگون شود نه، چنین انتظاری وجود ندارد. بلکه خواهش و پیشنهاد ما این است که بیاییم بگوییم اداره‌ی موفق صندوق‌های قرض الحسنه به روش قرآنی به راهکاری اصیل و اسلامی توسل پیدا کنیم و باید با اتخاذ شیوه‌ای متن و مجرب و متعادل به دنبال چگونگی نظارت قوی مردمی یا جلب حساسیت قوه‌ی قضائیه بر عملکرد صندوق‌ها در سراسر کشور باشیم.

به هر حال اگر ما این راه را طی کنیم و بدون تأمل کافی و بررسی لازم، بیاییم ابتدا بانک قرض الحسنه را امر موجهی بدانیم و بعد بر یک اساس غلط و غیر قابل قبول و غیر منطقی ۱۴۰۰ صندوق قرض الحسنه را تحت عنوان نظارت بر صندوق‌های قرض الحسنه، تجمیع کرده به آنان تکلیف کنیم که موظفند از منسب و روش ما تبعیت کنند. مطمئناً صندوق‌های اصیل و برنامه‌دار که رسالت الهی - آسمانی خود را شناخته‌اند و به حکم وظیفه‌ی ایمانی‌وار دعمل شده‌اند با ما همراه نخواهند شد، چرا که اگر بخواهند این نوع نظارت و هدایت را بپذیرند در واقع مخالف با اهداف اعتقادی خود عمل کرده‌اند و بنابراین چاره‌ای ندارند جز اینکه یا با این تصمیم مخالفت کنند و روش خود را که

می‌دانند صحیح است دنبال نمایند و یا اینکه به قول معروف برای حفظ وحدت برای پیشگیری از تنش و چالش و اختلاف نظر و سوءاستفاده‌ی دیگران، این دستگاه‌های خیررسان، خدمت و مشکل‌گشارا با کمال متانت اما کسالت تعطیل نمایند و به امر خیر موجه دیگری بپردازند.

به دوستان عزیز و بزرگواری که فعلاً حامل این مسئولیت سنگین هستند و آن را نعلق آرزوی دیرین خود می‌دانند و تصمیم به اجرای پروژه‌ی بزرگ کشوری تشکیل بانک قرض الحسنه با تجمیع ۱۴۰۰ صندوق را دار ندعرض می‌کنیم:

دوستان! آنچه بیان شد یک واقعیت تلخ اما انکارناپذیر است و بدون اعتنا به این حقیقت، نمی‌توان وحدت مرامی را به طور اصولی بین صندوق‌های قرض الحسنه ایجاد کرد و چنانچه شما به طور مقطعی هم موفق شوید، دیر یا زود به نتایج منفی آن واقف می‌گردید و البته آن زمانی است که بسیاری از سرمایه‌ها به هدر رفته، بسیاری از نیروها تلف شده و بسیاری از اوقات طلایی، ضایع و تباه شده است...

به هر حال بپذیر می‌رسد ما به حکم رابطه‌ی اخوتی که فیما بینمان برقرار است و به برکت تمسک به قرآن کریم و حیل متین ولایت و نیت خیر و خالصانه‌ای که همگان داریم، بیایم با یک نظرسنجی هوشمندانه و بررسی دقیق و بیخ‌دانه، آفات و آثار این تصمیم را مورد بررسی قرار دهیم؛ آنگاه آراء و اندیشه‌های جمع آوری شده را به آیینی نظام‌مند که موجب رشد و شکوفایی این سنت الهی (قرض الحسنه) است تبدیل کنیم و همواره یکدیگر را به این سفارش قرآنی یادآور شویم که آنی را بخواهیم که "او" می‌خواهد و راهی برویم که ولسی معصومش می‌پسندد و تصمیمی بگیریم که کار ساز و نتیجه‌بخش باشد و ضمن اینکه مراقب باشیم از شور و شعور نیابتی، مواظبت کنیم که دچار شتاب و عجله هم نشویم.

و به خاطر داشته باشیم که بعد از طی مراحل شناختن علمی بانک و کسب معرفت قرآنی صندوق قرض الحسنه و درک وجوه اشتراک و افتراق این دو و بررسی خصوصیات هر یک و اهدافی که برای هر کدام تبیین و تدوین شده، آن وقت است که می‌توانیم به انتخاب راهی که به عزت نظام اسلامی و پیشرفت جامعه‌ی ایمانی و ارتقای فضیلت‌های انسانی منجر می‌شود بیندیشیم و قدم‌های مؤثری را برداریم و قطعاً اگر ما عالمانه و عاقلانه و صبورانه و مخلصانه، دین خدا را یاری کنیم خدا هم به حسب سنت تغییر ناپذیرش ما را یاری و حمایت و هدایت خواهد کرد و بر کات خاص خود را نصیبمان می‌گرداند. به امید چنین ائتلاف و اعتماد و اتحادی.

و من الله التوفیق  
فصلنامه‌ی وام  
تیرماه ۸۸